

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بازیابی امثال و حکم فارسی از متون کهن عربی

حیدر محلاتی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم

Email: dr.mahallati@yahoo.com

چکیده

کوتاه‌نوشته‌های پندآموز فارسی که به امثال و حکم و یا کلمات قصار مشهورند حاصل اندیشه‌های پیشینیان و تجربیات نیاکان ما در عرصه‌های مختلف زندگی است. این سخنان کوتاه و اثربخش که در گذر زمان پایدار مانده و به اشکال گوناگون به آیندگان منتقل شده، حاکی از بار گرانسنگ فرهنگی آن دارد. زیرا ماندگاری یک اثر نه تنها به شکل زیبای آن بستگی دارد بلکه به محتوای عمیق آن نیز وابسته است. این پژوهش در پی بازیابی آثار فرهنگی ایرانیان می‌باشد که در قالب امثال و حکم در متون عربی نگاشته شده است. نگارنده این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، علاوه بر تحقق این هدف به دنبال شناسایی راه‌های ارتباطی فرهنگی بین دو زبان فارسی و عربی نیز می‌باشد که در طول تاریخ در حال تعامل و دادوستد بوده است. نتایج این پژوهش حاکی از حضور گسترده امثال فارسی و حکمت ایرانی در منابع نوشتاری عربی و بهره‌مندی وسیع از آن در اندیشه‌های نویسندگان عرب در ادوار مختلف دارد.

کلمات کلیدی:

امثال و حکم، زبان فارسی، کلمات قصار، کوتاه‌نوشته‌ها، متون عربی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

امثال وحکم زاینده تفکر خلاق و اندیشیدن عمیق انسان‌های خردورز است. نگاه متفکرانه در صحنه‌های مختلف زندگی و تدبیر در عالم خلقت وهستی و به کارگیری تجربیات بشری در طول روزگاران متمادی و بیان آن در قالب سخنان موجز، شیرین و قابل فهم برای همگان، اساس و غایت امثال است. فرهنگ دیرینه و غنی ایرانی سرشار از کوتاه‌نوشته‌هایی است که نه تنها در قلمرو پهناور ایران کاربرد داشته بلکه در ممالک مجاور و اقوام دور و نزدیک نیز اثر گذاشته است. سرزمین عرب چه پیش از اسلام و چه پس از آن بر اساس مراودات برون‌مرزی و دادوستدهای تجاری یکی از پذیرندگان اصلی این فرهنگ متعالی بوده است.

از این رو، ظهور افکار و اندیشه‌های فارسی در کلام و سخنان عربی پدیده‌ای آشنا و متعارف نزد صاحب نظران، ادیبان و متفکران عرب بوده است. کتاب‌های نویسندگان مطرح عرب در ادوار مختلف مانند جاحظ، ابن قتیبه، ابو هلال عسکری و بسیاری دیگر مملو از امثال و حکم فارسی است که بیشتر به نقل معنی بوده و به ندرت اصل فارسی آن ذکر شده است. استفاده دیگر اقوام از تجربیات ایرانیان و بهره‌مندی آنان از افکار روشنگرانه فارسی نشان از ارزشمند بودن و مهم بودن این امثال را دارد. گسترش این امثال و حکم پس از عصر تدوین و ترجمه سرعت شتاب بیشتری گرفت و در قرن‌های دوم، سوم و چهارم هجری که عصر طلایی و پیشرفت علمی نام گرفت به اوج خود رسیده است.

حضور پررنگ امثال و حکم فارسی در ادبیات عربی حاکی از استقبال فرهیختگان، اندیشمندان و ادیبان عرب از این منبع پر محتوا و ارزشمند انسانی است. نگاه متفکران و سخنوران عرب به کلام حکمی فارسی تنها به خاطر معانی والا و زیبایی بیان آن نبوده بلکه به عنوان آیین زندگی و راه و روش الگومند اجتماعی بوده است. بسیاری از کتاب‌های کهن فارسی که در مورد آیین زندگی و آیین سیاست و کشورداری نوشته شده بود، در قرن دوم هجری و پس از آن به عربی ترجمه شده است. کتاب‌های «آیین نامه»، «خدای نامه» و «التاج» که توسط ابن مقفع (وفات ۱۴۲ق) ترجمه شده از جمله این کتاب‌های مهم بوده است (ابن ندیم، ۱۹۷۸: ۱۷۲). البته ابن ندیم در کتاب الفهرست آثار فراوانی را نام برد که توسط مترجمان مختلف از زبان فارسی به عربی برگردانده شده است. اما نکته مهم در این جا ترجمه امثال فارسی به عربی است که چند کتاب در این زمینه قابل توجه است.

یکی از این آثار کتاب «امثال بزرجمهر» است که به احتمال زیاد توسط ابن مقفع ترجمه شده است (بروکلمان، ۱۹۹۱: ۳، ۱۰۳). دومین اثر کتاب «توقیعات کسری» که در عصر عباسی اول ترجمه شده است (امین، ۱۹۹۷: ۱، ۱۹۷). و سومین اثر کتاب «جاویدان خرد» یا پندنامه هوشنگ که توسط حسن بن سهل (وفات ۲۶۳ق) به عربی برگردانده شده است (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ۱، ۵۷۷). تفاوت این کتاب‌ها با کتاب‌های دیگر در این است که این کتاب‌ها به کلمات قصار و امثال و حکم ایرانیان اختصاص یافته در حالی که کتاب‌های دیگر به صورت پراکنده از این امثال بهره برده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱-۱. اهداف پژوهش

از آنجایی که منابع کهن فارسی در طول تاریخ و در پی اتفاقات ناگوار و رویدادهای سهمگین از بین رفتند، و تنها منابع موجود به صورت مکتوب و بیشتر به زبان عربی نوشته شده است، لازم شد تا میراث پیشینیان و خرد ایرانیان را که در قالب کوتاه‌نوشته‌ها، کلمات قصار و امثال و حکم در متون عربی گنجانده شده، بازیابی نموده و این گنجینه ارزشمند انسانی را احیا کرد. و این هدف اصلی این پژوهش است. علاوه بر این، شناسایی و بررسی راه‌های ارتباطی فرهنگی بین دو زبان فارسی و عربی که از رهگذر کاربرد مشترک این امثال و حکم در دو زبان تجلی یافته، از دیگر اهداف این پژوهش محسوب می‌گردد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

موضوع امثال و حکم یکی از جذاب‌ترین و شیرین‌ترین مباحث ادبی به شمار می‌رود که در آن مسائل گوناگون اجتماعی، تربیتی، رفتاری و آموزشی مطرح می‌گردد. از این رو، پژوهشگران و محققان در این زمینه مطالعات فراوانی داشتند و مطالب قابل توجهی به رشته تحریر درآوردند. اما در خصوص بازشناسی و بازیابی امثال کهن فارسی از متون و منابع عربی اعم از تاریخی و ادبی پژوهش‌های قابل توجهی صورت نگرفته، و بیشتر به صورت تطبیقی و مقایسه‌ی مضامین امثال در زبان فارسی و عربی انجام شده است. از میان پژوهش‌های موجود می‌توان این موارد را به عنوان پیشینه ذکر کرد: کتاب «مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی» اثر دکتر سید محمد دامادی، کتاب «الامثال المقارنه بين العربيه والفارسيه» نوشته دکتر منصوره زرکوب، مقاله «الامثال وتبادلها في اللغتين العربيه والفارسيه» اثر دکتر فیروز حریرچی که در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۳، شماره ۱۲۹ (ص ۶۳-۷۴) منتشر شده است، مقاله «ضرب المثل در ادب فارسی و عربی: پیشینه و مضامین مشترک» نوشته دکتر سید محمد امیری که در مجله پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۲ (ص ۵۷-۷۶) چاپ شده است، مقاله «بررسی ضرب المثل‌های فارسی و عربی در دو سطح واژگانی و نحوی» نوشته دکتر حسن ذوالفقاری که در مجله فنون ادبی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۱ (ص ۵۷-۸۰) منتشر شده است.

۳-۱. سؤال‌های پژوهش

این پژوهش طبق اهداف تعیین شده و بر اساس نگاه جستجوگرانه خود بیشتر در پی پاسخ به سؤال‌های ذیل می‌باشد:

- ۱- استفاده از امثال و حکم فارسی در متون کهن عربی به چه شکل بوده است؟
- ۲- آیا امثال و حکم عربی از امثال و حکم فارسی و خرد ایرانیان بهره برده است؟

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴-۱. روش تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق روش توصیفی تحلیلی است. نویسنده مقاله پس از جمع آوری امثال و حکم فارسی که در متون عربی موجود و قابل دسترسی می‌باشد، به بررسی و تحلیل آن‌ها پرداخته، و بر اساس اهمیت و محتوا به دسته‌بندی موضوعی و محتوایی آن روی آورده، و در ادامه به تطبیق این امثال با امثال عربی و سپس مستند سازی آن اقدام نموده است.

۲. بحث

در خصوص ناپدید شدن آثار مکتوب فارسی و نوشته‌های کهن ایرانیان می‌توان عوامل و علل مختلفی را ذکر کرد. فراهم نبودن ابزار کتابت، نداشتن رسم الخط واحد در نگارش، تنوع زبان‌های ایرانی، تفاوت دستور زبان‌ها و حوادث و اتفاقات سیاسی و طبیعی از جمله این عوامل می‌توان حدس زد. یکی دیگر از عوامل مهم که در نابودی آثار فارسی نقش داشته نیاز حاکمان وقت به آثار عربی در خصوص اداره مملکت و بینش سیاسی است که تبحر ایرانیان در این دو علم زبانزد بود. همین امر باعث شد متون فارسی در بوتۀ ترجمۀ عربی ذوب شود و اصل آن از بین برود (محمدی، ۱۹۹۵، ۱: ۱۰).

از میان آثار فارسی از بین رفته که به سرعت ناپدید شدند امثال و حکم بوده است. شاید کوتاه بودن کلمات و عبارات امثال و جایگزین شدن معنی عربی آن در ناپدید شدن آن‌ها سهیم بوده است. اما علی‌رغم تمامی عوامل مذکور، تعدادی از این سخنان پندآموز و ناب فارسی در لا به لای میراث نوشتاری به جا مانده که نیاز به کشف و بازیابی دارند.

نگارنده مقاله حاضر در حد بضاعت خود کوشید شماری از امثال و سخنان حکمی پیشینیان را که به زبان فارسی در کتاب‌های عربی نوشته شده، بازشناسی نموده و در اختیار پژوهشگران و محققان زبان فارسی قرار دهد. آنچه در این مقاله ذکر می‌شود تنها تعداد محدودی از امثال فارسی است که می‌توان در قالب یک مقاله گنجانده شود. بدیهی است راه برای تحقیق و پژوهش در این خصوص باز است، و نیاز به تلاش مضاعف محققان دارد. بسیاری از منابع و متون عربی که به صورت نسخ‌های خطی در کتابخانه‌های مختلف جهان نگهداری می‌شوند به مرور در حال چاپ و نشر هستند، و جا دارد مورد بررسی و کنکاش قرار گیرند تا مطالب متعلق به زبان و فرهنگ فارسی آن استخراج و عرضه گردد.

۲-۱. بررسی امثال و حکم فارسی

همان طوری که گفته شد دامنه امثال فارسی بازشناسی شده اعم از تعداد و موضوعات بسیار گسترده است، و گردآوری تمامی آن‌ها در قالب یک مقاله امکان‌پذیر نیست. از این رو، نگارنده مقاله سعی بر این دارد به ضرب المثل‌هایی بپردازد که از نظر لفظی و معنایی قابل طرح هستند و از بیان مثنی‌هایی که به صورت مبهم و ناقص در منابع ذکر شدند، خودداری کند. این مثل‌ها عبارتند از:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱- هرکه رَوَد چَرَد هر که خُسَبَد خواب بیند

یکی از کهن‌ترین سخنان پندآموز و حکمی ایرانی که به صورت فارسی در منابع عربی محفوظ مانده، این ضرب‌المثل است. قدیمی‌ترین منبع عربی که این مثل فارسی را نقل کرده، کتاب عمرو بن بحر جاحظ (وفات ۲۵۵ق) موسوم به «المحاسن والاضداد» است (جاحظ، ۱۹۹۶: ۱۵۵). پس از او، ابراهیم بن محمد بیهقی (وفات ۳۲۰ق) این کلام را در کتاب «المحاسن والمساوی» آورده است (بیهقی، ۱۹۷۰: ۶۱۲). هر دو منبع، این کلام را از توقیعات انوشیروان دانستند. خسرو انوشیروان معروف به «انوشیروان دادگر» بزرگترین پادشاه ساسانی بود که در سال ۵۳۱ میلادی به تخت نشست و در سال ۵۷۹ میلادی درگذشت. این پادشاه پس از سرکوب مزدکیان توانست با قدرت و عدالت تمام نظم و آرامش را در کشور برقرار سازد، به همین خاطر او را دادگر لقب دادند. انوشیروان به حکمت و فلسفه علاقه داشت، و اندرزها و نصیحت‌های او معروف بود. در زمان او سلسله ساسانی به اوج و عظمت خود رسید و دامنه ادبیات و فرهنگ در این دوران گسترش یافت (مشکور، ۱۳۶۳: ۴۳۶، ۴۵۰).

این ضرب‌المثل در لزوم تلاش و کوشش جهت تحقق اهداف و رسیدن به مقصود گفته شده است. هرکس راه افتد و در پی خواسته خود رود از دسترنجش بهره می‌برد و هرکس به خواب رود جز رؤیا حاصلی به دست نمی‌آورد. این ضرب‌المثل کهن فارسی منشأ بسیاری از اقوال مشهور در این معنی شده است. در زبان عربی امثال گوناگونی در این راستا وجود دارد که حاکی از وامگیری محتوا و نیز الفاظ از این کلام عبرت‌آموز فارسی است.

یکی از این ضرب‌المثل‌ها، این کلام ابن طاهر است که گفته: «مَنْ سَعَى رَعَى، وَمَنْ لَزِمَ الْمَنَامَ رَأَى الْأَحْلَامَ». عبد الله بن طاهر (وفات ۲۳۰ق) از فرماندهان صاحب نام و امیران سرشناس خراسان در دوران حکومت مأمون عباسی بود. وی منسوب به قبیله خزاعه است (زرکلی، ۲۰۰۲، ۴: ۹۳). ابن طاهر علی‌رغم انتساب به یکی از قبایل عرب اما اصالتاً ایرانی بوده و طبیعتاً با فرهنگ و ادب فارسی بیگانه نبوده است. از این رو، این گفتار ابن طاهر، اعم از لفظ و مضمون، کاملاً با اصل ضرب‌المثل فارسی منطبق، و مأخذ آن مشخص است. البته جاحظ به صراحت و روشنی اعلام کرده که ابن طاهر این کلام را از انوشیروان سرقت کرده است (جاحظ، ۱۹۹۶: ۱۵۵).

این ضرب‌المثل به گونه‌های دیگری نیز نقل شده است. در کتاب لغت نامه به این صورت آمده است: «هرکه چرد خورد و هرکه خسبد خواب بیند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶: ۸۱۲۷). و در کتاب امثال و حکم بدین شکل: «هرکه چرد چمَد و هرکه خسبد خواب بیند» (دهخدا، ۱۳۶۳، ۴: ۱۹۵۴). و چَمَد یعنی راه برود. البته تغییر در برخی واژه‌ها، معنی اصلی ضرب‌المثل را دگرگون نمی‌کند و همان مضمون را منتقل می‌نماید. به هر روی این ضرب‌المثل با توجه به دیرینگی و پیشینه تاریخی آن در تولید و ساختن ضرب‌المثل‌های هم‌معنی و مترادف دیگر اثر گذاشته و این تأثیر نه تنها در امثال و حکم فارسی قابل مشاهده است بلکه در امثال و حکم عربی نیز مشهود است. نکته جالب توجه در ضرب‌المثل عربی ترجمه کلمات ضرب‌المثل فارسی است، و در حقیقت همان استفاده همزمان از الفاظ و معانی ضرب‌المثل مبدأ است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲- نه شاه آشنا ونه رود همدوره

این ضرب المثل فارسی که دارای سجع و تشابه وزنی و حروفی در کلمات می باشد از سخنان ناب ایرانی است که هیچ واژه غیر فارسی در خود جای نداده است. این کلام توسط حسن به عبد الله معروف به ابو هلال عسکری از ادبای صاحب نام قرن چهارم هجری به ثبت رسیده است. وی در ذیل این مثل معروف عربی: «جَاوِرٌ بَحْرًا أَوْ مَلِكًا» می گوید: «معناه: اطلب الخصب. وقد اتفقت العربُ والفُرسُ فی جمیع أمثالها إلا فی هذا المثل. فانَّ العربَ قالت «جَاوِرٌ بَحْرًا أَوْ مَلِكًا» وقالت الفُرسُ: «نه شاه آشنا ونه رود همدوره» والمعنی: لا الملكُ معرفهُ ولا البحرُ جارُ، اى لا تتعرّف إلى الملك ولا تُجاور البحرَ» (ابو هلال عسکری، ۱۹۸۸، ۱: ۳۰۱). ترجمه: «معنی آن: جای سرسبز را بطلب. دو قوم عرب و فارس در همه ضرب المثل های خود متفق بودند بجز این ضرب المثل. عرب می گوید: «همسایه دریا باش یا پادشاه»، و فارس می گوید: «نه شاه آشنا ونه رود همدوره». یعنی نه با شاه آشنا شو ونه با دریا همسایه».

ابو هلال عسکری همین ضرب المثل فارسی را در کتاب «دیوان المعانی» خود به عنوان یکی از سخنان بلیغ قوم فارس معرفی کرده است (ابو هلال عسکری، ۱۹۹۴، ۲: ۴۳۶). نکته قابل توجه این است که ضرب المثل مذکور تنها در این دو منبع نقل شده که توسط یک مؤلف به رشته تحریر درآمده است. اما دیگر منابع عربی یادی از این ضرب المثل نکردند.

در فهم این ضرب المثل یک اشکال لغوی وجود دارد که در کلمه «همدوره» نمایان است. تقریباً همه کلمات این ضرب المثل، بجز این کلمه، از نظر نگارش صحیح و قابل فهم هستند. وبا توجه به نامفهوم بودن معنی این کلمه، این احتمال می رود که مورد تصحیف و تحریف قرار گرفته است.

برای این کلمه سه حالت می توان تصور کرد: «همدوره»، «همروده» و «همدوده». در حالت اول معنی دور ماندن را نشان می دهد که به معنی عدم مجاورت و دوری را می رساند که با مضمون ضرب المثل همخوانی دارد. اما لفظ «هم» که از حروف عطف محسوب می شود وافاده اشتراک در کاری را می کند با سیاق کلام که با نفی شروع شده ناسازگاری دارد.

در حالت دوم «همروده» علی رغم تجانس این کلمه با کلمه «رود» قبل از خود، نمی توان از آن معنی درخور توجهی استخراج کرد. علاوه بر این که با توضیحات عربی ضرب المثل نیز تناسب ندارد.

اما حالت سوم «همدوده» که از واژه «دوده» اخذ شده وبه معنی دودمان و خاندان و خانواده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷: ۱۱۱۹۷)، می توان برای آن یک معنی مجازی در نظر گرفت همانند مجاورت و همسایگی. ذکر این نکته نیز می تواند مفید باشد که جناس بین «شاه» و «آشنا» احتمال جناس بین «رود» و «همدوده» را تقویت، و حالت سوم را به اصل فارسی ضرب المثل نزدیکتر می کند. بنا بر این، احتمال سوم با توجه به سه مؤلفه لفظی، معنی و ترکیب در اولویت قرار دارد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳- به مه نه مه به

از جمله سخنان بسیار کوتاه، پر معنی و دارای سجع و تجانس لفظی که به زبان فارسی طی عصور وازمان محفوظ مانده، این کلام حکیمانه انوشیروان است. این کوتاه‌نوشته پندآموز بر نگین انگشتی وی نقش بسته بود. ابو حامد غزالی (وفات ۵۰۵ق) اندیشمند بزرگ طوسی این کلام ارزشمند را در نصیحه الملوک خود نقل کرده است (غزالی، ۱۳۱۷: ۷۲). صفی الدین ابو الحسن علی بن مبارک اربلی از شاگردان غزالی، این کلام را به زبان عربی بدین شکل ترجمه کرده است: «الاجود اکبر ولیس الاکبر اجود» (غزالی، ۱۹۸۸: ۶۶). یعنی شایستگی بزرگی می‌آورد نه بزرگی شایستگی.

این کلام موزون و موجز که در واژگان آن بسیار صرفه جویی شده، دارای محتوای بسیار عمیق است. کوتاه‌نوشته‌های حکمی انوشیروان که بیشتر در کتاب‌های عربی و منابع تاریخی به صورت ترجمه شده و به عربی برگردانده شده است، همواره به عنوان سخنان خردمندانه و سرمشق کشورداری و آیین سیاستمداری قلمداد می‌شده است. خوشبختانه این گفتار نغز از معدود سخنان ناب فارسی است که در میراث نوشتاری کهن بدون هیچ آسیبی سالم باقی ماند. غزالی این کلام انوشیروان را در ذیل پرسش مأمون عباسی از موبدان نقل می‌کند که در موضوع بخشش پادشاهان روایت شده است.

۴- در مرگ نیز مردی باید

در کتاب‌های تاریخ گاه به عبارات و سخنان نغز فارسی بر می‌خوریم که جنبه حکمی آن بسیار برجسته است. یکی از این عبارات این کلام مشهور است: «در مرگ نیز مردی باید». گوینده این سخن حکیمانه طاهر بن حسین بن مصعب خزاعی (وفات ۲۰۷ق) زاده «بوشنج» خراسان و یکی از بزرگترین وزیران مأمون عباسی و از فرماندهان وادبیان مشهور عصر خود می‌باشد (زرکلی، ۲۰۰۲، ۳: ۲۲۱). شجاعت مثال زدنی او بسیار مشهود بود. وی هنگام مرگ و پس از این که متوجه شد مسموم گردید به خود می‌پیچید و این کلام فارسی را بر زبان جاری می‌ساخت: «در مرگ نیز مردی باید» (طبری، ۱۴۰۷، ۵: ۱۶۲).

این رادمرد ایرانی الاصل یکی از فرماندهان و کارگزاران خراسان بود و با زبان و فرهنگ فارسی آشنایی کامل داشت. این گفته طاهر که به سان ضرب‌المثل درآمده، نشان از دلاوری مردانی است که در برابر مرگ بی‌باک و دلیرانه می‌ستیزند و خم به ابروی خود نمی‌آورند. نکته حایز اهمیت در این خصوص، حفظ این سخن به زبان اصیل فارسی در یکی از مهمترین کتاب‌های تاریخ است. در تاریخ طبری به ندرت شاهد نقل قول به زبان غیر عربی هستیم. البته طبری پس از آوردن این کلام فارسی، معنی عربی آن را نیز ذکر کرده است. این کلام طاهر در دیگر منابع ادبی و تاریخی به ثبت نرسیده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵- یکی به هزارها آسانیه

این ضرب المثل علی رغم وجود ابهام در معنی و نیز احتمال افتادگی کلماتی از آن، می توان به عنوان یک ضرب المثل کهن فارسی که به عصر قبل از اسلام بر می گردد دانست؛ چون هیچ کلمه غیر فارسی در آن دیده نمی شود. قدیمی ترین منبعی که این ضرب المثل را به همان صورت فارسی نقل کرده کتاب الأمل والمأمول است، ومؤلف در توضیح معنی این ضرب المثل چنین می گوید: «مرّة واحدة تعقب ألف راحة» (جاحظ، ۱۹۸۳: ۳۲). یعنی یک بار [سختی] هزار آسانی در پی دارد.

همان طوری که دیده می شود متن عربی همانند متن فارسی کامل نیست و با اضافه کردن کلمه ای مانند (سختی) و یا (دشواری) قابل فهم می شود. با توجه به این که کلمه (مرّة) بدون حرکت گذاری نوشته شده پس می توان به اعتبار قراین موجود دو معنی برای آن تصور کرد. معنی اول: (یک بار) است که با (هزار) همخوانی دارد، بنا بر این، حرکت آن بدین شکل خواهد بود: (مَرَّةً). معنی دوم: (تلخی) است که با مفهوم عام ضرب المثل تناسب دارد، پس حرکت کلمه این گونه می شود: (مُرَّةً). و این دو معنی در ضرب المثل متصور است. با توجه به این که جاحظ این ضرب المثل را در باب (راحة اليأس وعزّة) آورده، یعنی: آسایش و عزت در نا امیدی از دیگران است، پس می توان معنی اول را صحیح بدانیم، و آن را با کلام سعدی در باب سوم گلستان (در فضیلت قناعت) مقایسه کرد (سعدی، ۱۳۷۲: ۱۹۳):

هر که نان از عمل خویش خورد مَنّت از حاتم طائی نبرد

اما ترجمه عربی ضرب المثل که بر خلاف سیاق کلام جاحظ ذکر شده، بیشتر معنی دوم را نشان می دهد. یعنی تحمل اندک منجر به آسایش فراوان می گردد. و تقریباً با این ضرب المثل معروف فارسی هم معنی می شود: یک سال بخور نان و تره هر سال بخور نان و کره (دهخدا، ۱۳۶۳، ۴: ۲۰۴۵).

به هر حال معانی یاد شده در این ضرب المثل اصیل فارسی قابل درک هستند، و این تعدد معنایی ناشی از صورت ناقص ضرب المثل و کامل نبودن عبارت است. البته این دو معنی در راستای یک معنی واحدی قرار دارند که همان خودساختگی و ضرورت اعتماد به نفس از رهگذر قناعت است. بنا بر این معنی کلی ضرب المثل گویا و روشن است.

۶- نه هر جا که دود آید [دیر بر تک تو] که داغی نهند

از معدود ضرب المثل های فارسی که نگارش آن به صورت مبهم و نا مشخص در متون عربی نوشته شده، ورد پایی از آن در متون فارسی یافت نمی شود، همین ضرب المثل است. متأسفانه نگارش نادرست این ضرب المثل به دلیل آشنا نبودن ناسخ به زبان فارسی باعث مسخ صورت صحیح آن شده است. تنها منبعی که این پند کهن فارسی را نقل کرده کتابی منسوب به جاحظ تحت عنوان «الأمل والمأمول» است. این ضرب المثل در موضوع نکوهش حرص و طمع مطرح شده، و گوینده آن ناشناس است. نویسنده پس از ذکر این مثل، ترجمه و معنی عربی آن را این گونه بیان می کند: «يقول: ليس كلُّ دُخانٍ دُخانٌ طَبِيحٌ، ربّما كان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دُخَانَ كِيَّ. المعنى: لا تطمع فى كلِّ شىءٍ حتَّى تَحْتَبِرَه» (جاحظ، ۱۹۸۳: ۳۹). می گوید: نه هر دودی دود پخت و پز است، شاید دود داغ کردن است. معنی: در هر چیزی طمع مکن تا این که بیازمایی. در زبان و ادبیات فارسی و گویا در امثال معاصر شبیه به این معنی و مضمون این ضرب المثل آمده است: «هر دودی کباب نیست» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷: ۱۱۱۸۶). اما در زبان عربی با الهام گرفتن از ضرب المثل مذکور این ضرب المثل مشهور شده است: «رُبَّ نَارٍ كَيْ خَيْلَت نَارَ شَيْءٍ» (میدانی، ۱۳۶۶: ۳۱۴). ترجمه: «چه بسا آتش داغ کردن گمان شود آتش کباب کردن». در همین راستا، ابو الفتح بُستی (وفات ۴۰۰ق) از شاعران نامدار و کاتبان سرشناس دولت سامانیان در خراسان مضمون و الفاظ این ضرب المثل را در شعر آورده است:

لا تَتَّبِعَنَّ كُلَّ دُخَانَ تَرَى فَالِنَارُ قَدْ تَوَقَّدُ لِلْكَيْ (بُستی، ۱۹۸۹: ۳۱۰)

ترجمه: «در پی هر دودی مرو، شاید آن آتش از بهر داغ کردن افروخته شده باشد». امثال عربی دیگری نیز نزدیک به این مضمون وجود دارند که حاکی از بهره‌مندی لفظی و معنایی از ضرب المثل کهن فارسی دارد. و این امر نشانگر این حقیقت است که بسیاری از معانی حکمی و پندآموز عربی ریشه در زبان و فرهنگ ایرانی دارد.

۷- دبیران به رنگ افرنگ بُود

این ضرب المثل از معدود امثال ایرانی است که در کتاب‌های امثال و حکم فارسی، اعم از منابع قدیمی و جدید، یادی از آن نیامده است. این سخن نغز نخستین بار در کتاب «محاسن اصفهان» که در قرن پنجم هجری به رشته تحریر درآمده، ذکر شده است (مافروخی، ۲۰۱۰: ۹۳). نویسنده کتاب در توضیح معنی ضرب المثل از این کلام عربی استفاده می‌کند: «انَّ المَدَادَ خَلُوقِ ثَوْبِ الكَاتِبِ». یعنی: جوهر قلم بر جامه نویسندگان بسان رنگ و عطر آنها است. البته این عبارت عربی مصرع‌ای از بیت معروف محمد بن مهران است که گفته:

لا تَجَزَعَنَّ مِنَ المَدَادِ وَلَطِخِهِ إِنَّ المَدَادَ خَلُوقِ ثَوْبِ الكَاتِبِ (صولی، ۱۳۴۱: ۱۰۳)

ترجمه: از پاشیدن جوهر مداد بر لباس بی‌تابی مکن که این جوهر همان عطر نویسندگان است. حسین بن محمد آوی از نویسندگان قرن هشتم هجری و مترجم کتاب محاسن اصفهان در ترجمه ضرب المثل مذکور می‌گوید: کاتبان را سیاهی بر جامه هنر باشد (مافروخی، ۱۳۸۵: ۱۴۳). به معنی دیگر این سیاهی جوهر برای نویسندگان و دبیران و کاتبان مایه بالیدن و خرسندی است و همانند عطر و بوی خوش آنان می‌باشد.

۸- هر که نه زاده تو رَوَد

یکی از امثال و حکم کهن فارسی که گویا به قبل از اسلام بر می‌گردد همین ضرب المثل است. این سخن ناب اول بار توسط ابوهلال عسکری در کتاب «دیوان المعانی» آورده شده است. البته این ضرب المثل به صورت ناقص و مبهم بدین شکل نگاشته شده: «هرک نژاد نرود». آقای عسکری در مبحث مقایسه امثال عربی و فارسی معتقد بود که برخی امثال ایرانی از نظر بلاغت و شیوایی کلام از امثال عربی فصیح‌تر هستند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وی برای اثبات ادعای خود همین ضرب المثل فارسی را می آورد و آن را با ضرب المثل عربی: «ولدک من دمی عقبیک» مقایسه می کند. وی سرانجام اعلام می دارد که این ضرب المثل فارسی با توجه به مضمون و تعداد حروف و کلمات از ضرب المثل عربی فصیح تر و زیباتر است (ابو هلال عسکری، ۱۹۹۴، ۲: ۴۳۶).
معنی ضرب المثل عربی بدین گونه است: «فرزند واقعی از آن کسی است که او را به دنیا آورده است». بنا بر این با توجه به توضیحات عربی این مثل می توان این گونه گفت که هر کس از تو زاده نشده متعلق به تو نیست و از تو جدا می شود و می رود. از این رو می توان حدس زد که صورت صحیح این ضرب المثل به عبارت: «هر که نه زاده تو رود» نزدیک تر است.

۹- امید به که خورده

برخی از مؤرخان ادب و ناقدان سخن بر این باورند که بلاغت و شیوایی بیان نزد دو قوم فارس و عرب یکسان است. و با توجه به تبادل فرهنگی بین این دو قوم طی ادوار مختلف تاریخی بسیاری از مطالب حکمی و شیوه های بیانی از یکدیگر اخذ شده است. عبد الحمید کاتب نویسنده سرشناس ایرانی (وفات ۱۳۲ق) که در دوران اموی می زیسته نه تنها امثال و حکم، خطابه ها، و رسائل فارسی را به عربی ترجمه نموده بلکه سبک نگارش ایرانیان را نیز به ادبیات عربی وارد کرده است. در مقایسه بین این دو، گاه به الفاظ فارسی بر می خوریم که از زبان عربی بلیغ تر و شیواتر می باشند. گاه با امثالی از زبان فارسی آشنا می شویم که در زبان عربی معادل و نظیر ندارد. مانند این ضرب المثل فارسی: «امید به که خورده». و معنی آن: «المأمول خیر من المأكول».
(ابو هلال عسکری، ۱۹۹۴، ۲: ۴۳۶).

البته این ضرب المثل فارسی به صورت تحریف شده در کتاب عسکری نقل شده که در این جا وجه صحیح آن را نقل کردیم. ابو هلال عسکری در ادامه می گوید: تعداد حروف عبارت عربی این ضرب المثل از ضرب المثل فارسی کمتر نیست، و برخی معنی این ضرب المثل را این گونه بیان کردند: «انتظار الحاجه خیر لک من قضائها» (پیشین). یعنی انتظار رسیدن به چیزی از برآورده شدن آن بهتر است.
ابو منصور ثعالبی در شرح عبارت «المأمول خیر من المأكول» از قرآن کریم استمداد و کمک می گیرد و به توضیح آن می پردازد (ثعالبی، ۱۹۸۳: ۱۸). وی معنی این ضرب المثل را همانند معنی این آیه از قرآن می داند: «وللآخره خیر لک من الأولى» (سوره ضحی، آیه: ۴). ترجمه: و به راستی که آخرت برای تو از دنیا نیکوتر است. ثعالبی معتقد بود که بسیاری از ضرب المثل های فارسی معادل عربی ندارد، و تنها با کمک گرفتن از قرآن کریم می توان به معنی آن دست یافت (ثعالبی، پیشین: ۱۷).

۱۰- هر که شنید رمید

این ضرب المثل فارسی به دو صورت نقل شده است. صورت اول: «هر که شنود مند» (ابو هلال عسکری، ۱۹۸۸، ۲: ۲۱۲). و صورت دوم: «کشند مید» (ابو هلال عسکری، ۱۹۹۴، ۲: ۴۳۶). و با توجه به این که مؤلف

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

این دو کتاب یکی است، بنا بر این اختلاف موجود در نگارش ممکن است به ناسخ این کتاب‌ها بر می‌گردد که با زبان فارسی آشنا نبوده و نتوانسته شکل صحیح آن را بنویسد، و یا این که مؤلف، تلفظ این ضرب المثل را از یاد برده و دچار اشتباه شده است. ابو هلال عسکری این ضرب المثل فارسی را در توضیح ضرب المثل عربی: «مَنْ يَسْمَعُ يَخْلُ» آورده و گفته: هر کس خبری را بشنود ممکن است در صحت آن شک کند. همچنین هر کس عیب‌های مردم را بشنود بدبین می‌گردد، به همین خاطر دوری جستن از مردم ایمن‌تر است (ابو هلال عسکری، ۱۹۸۸، ۲: ۲۱۲). و این شرح به این معنی است که هر کس حرف بدی را شنید فرار کرد و رمید. صورت دوم این ضرب المثل این وجه از لفظ و معنی را تأیید می‌کند. بنا بر این، تلفظ صحیح این ضرب المثل احتمالاً همان: «هر که شنید رمید» می‌باشد.

۲-۲. ویژگی‌های امثال و حکم فارسی

از مجموعه امثال و حکم فارسی بررسی شده در این مقاله می‌توان به چند ویژگی مشترک اشاره کرد. یکی از برجسته‌ترین خصوصیات این ضرب المثل‌ها زبان ساده آن‌هاست. در هیچ یک از مثل‌های یاد شده ابهام و یا پیچیدگی لفظی و یا مفهومی دیده نشده است. واژگان امثال و حکم روشن و قابل فهم برای تمامی مخاطبان با سطوح مختلف فرهنگی است. در کنار سادگی و روشنی کلمات، روانی عبارات و جریان سیال آن‌ها قابل توجه است. و این امر به زیبایی و ماندگاری ضرب المثل جلوه خاص بخشیده است. یکی از شاخص‌های روانی و سیال بودن عبارات، هم‌آوایی کلمات و اشتراکات موسیقایی آن‌هاست که این امر با کمک آرایه‌های بدیعی مانند جناس تحقق می‌یابد. بیشتر مثل‌های مذکور در این مقاله از این خصوصیت بلاغی بهره‌مند بوده است. مانند جناس بین (شاه و آشنا)، و (مرگ و مرد)، و (رنگ و افرنگ) و موارد دیگر. این صنعت بدیعی که با ترکیب موسیقایی حروف و کلمات ارتباط مستقیم دارد نقش مهمی در نگهداری مثل‌ها و حفظ آن در یادها دارد.

برجستگی موسیقایی این مثل‌ها از رهگذر سجع نیز قابل مشاهده است. عبارت «به مه نه مه به» مثال روشنی است بر سجع آهنگین این ضرب المثل است. عبارت «هر که رَوَد چَرَد هر که خُسَبَد خواب ببند» نیز از این خصوصیت بلاغی پیروی کرده است. و با این که سجع جزء محسنات لفظی بدیع است اما معانی درونی ضرب المثل را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

نکته حائز اهمیت دیگر که در این ضرب المثل‌ها برجسته به نظر می‌رسد و با ویژگی‌های قبلی در ارتباط می‌باشد، چینش استادانه کلمات است. آهنگ منسجم و موافق ضرب المثل‌ها بدون قرار دادن صحیح کلمات بر اساس هماهنگی حروف و کلمات از نظر مخارج تلفظ امکان‌پذیر نیست. و این هماهنگی و انسجام در این ضرب المثل‌ها کاملاً قابل رؤیت است.

از محتوای این ضرب المثل‌ها این چنین بر می‌آید که گویا حکایتی در نهان دارند و قصه‌ای با خود همراه. اما این حکایت نیاز به بازگویی دارد که افسوس ممکن نیست چون منابع موجود توان شرح ماجرا و بازگویی داستان را ندارند. اما این نکته را می‌توان دریافت که حکایت‌های این امثال و حکم برآمده از اتفاقات حقیقی،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وناشی از تعریف واقع‌گرایانه داستان است. بعید به نظر می‌رسد که این گونه ضرب‌المثل‌ها بر اساس تصورات شاعرانه و یا خیال‌پردازی سخنوران پدید آمده باشند. از دیگر ویژگی‌های این امثال و حکم انباشتگی و فشرده‌گی معانی است. این ضرب‌المثل‌ها علی‌رغم ایجاز شدید و صرفه‌جویی حد اکثری در واژگان و کلمات توانسته بیشترین معانی، والاترین مفاهیم و متنوع‌ترین مطالب را منتقل کنند. و این امر جز با ژرف‌کاوی، دقت نظر و بینش عمیق تحقق نمی‌پذیرد. عمق‌بخشی به بیان سخنور در قالب سخنان موجز و حکمی حاصل تأمل فراوان و به کارگیری تجربیات گسترده انسانی است.

۳. نتیجه‌گیری

از بررسی موضوع بازیابی امثال و حکم فارسی از متون کهن عربی چند نکته مهم به دست آمد، که به شرح ذیل بیان می‌گردند:

۱- خرد ایرانی و سخنان پندآموز فارسی از دیرباز در فرهنگ و اندیشه مردمان خاور زمین ریشه دوانده، و بسیاری از نوشته‌ها و نگاره‌های پدید آمده از روزگاران کهن به این گفته‌های ارزشمند آراسته گردیده است. از دیر هنگام و در پی نابسامانی‌ها و ورخدا‌دهای ویرانگر دامنه‌دار، چنگال نابودی در کالبد گنجینه‌های دانایی و آیین‌نامه‌های پارسیان فرو رفته و دیگر نشانی از دانش پیشینیان به جا نمانده است. آنچه امروز به دست ما رسیده از کهن‌نوشته‌ها و اندرزهای آموزنده و سخنان پرمغز فارسی بیشتر به زبان عربی برگردانده، و تنها اندکی از آن به زبان اصیل فارسی آورده شده است. این نوشته‌های کمیاب که در برگ‌نوشته‌های گوناگون پراکنده شده، بی‌درنگ نیازمند گردآوری، ساماندهی و پژوهش دارد.

۲- از بررسی سخنان حکیمانه فارسی و مقایسه آن با ضرب‌المثل‌های عربی روشن شد که بسیاری از امثال عربی و مضامین حکمی آن از فرهنگ و زبان فارسی اخذ شده، و دلیل این امر، پیشینه کلام ایرانی و پشتوانه انسانی آن بوده است.

۳- در برخی امثال عربی نه تنها مضامین و محتوای امثال فارسی اخذ شده، بلکه واژگان و الفاظ نیز مورد ترجمه و بهره‌برداری قرار گرفته است.

۴- امثال فارسی نشانگر تجربیات و رفتارهای حکیمانه ایرانیان بوده، و معرف سبک زندگی و طرز تفکر و اندیشه‌ورزی آنان می‌باشد. از این رو، این امثال در اقوام دیگر اثر شگرفی گذاشته و به عنوان راهنما و راهگشای بسیاری از چالش‌های زندگی به شمار می‌رفته است.

۵- توجه قوم عرب به حکمت ایرانیان از رهگذر ترجمه صورت گرفته، و در این راستا کتاب‌های بی‌شماری از زبان فارسی به عربی ترجمه شده، و بدین شکل این ضرب‌المثل‌های ارزشمند به زبان و فرهنگ عربی راه یافته است. بنا بر این، نقش ترجمه در انتقال این سخنان خردمندانه و آموزنده بسیار چشمگیر بوده است.

۶- مضامین ضرب‌المثل‌های بازشناسی شده عبارتند از: ضرورت تلاش برای دستیابی به آرزوها و ترک سستی و تنبلی، پرهیز از مصاحبت زورمداران و صاحب‌منصبان، شایستگی و لیاقت فرد باعث بزرگی و عزتمندی او می‌گردد نه بر عکس، لزوم شجاعت و دلیری در شرایط سخت، آسایش انسان در قناعت و ناامیدی او از دیگران است، پرهیز از طمع و آزمندی، شغل و حرفه هر شخص موجب افتخار و بالندگی اوست، ارجحیت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اصالت بر وابستگی، انتظار رسیدن به مقصود از رسیدن به آن گواراتر است، ودوری جستن از معاشرت ناشناسان ایمن تر است.

۷- از مثل‌های به جا مانده که به زبان فارسی نوشته شده می‌توان به سبک نگارش و طرز بیان فارسی در آن دوران پی برد. هم‌آوایی واژه‌ها، فشردگی کلمات، ایجاز در عبارات، انباشتگی معانی و رعایت سجع از جمله ویژگی‌های این ضرب‌المثل‌ها به شمار می‌آیند.

۸- بازیابی امثال فارسی از لابه‌لای متون عربی و به ویژه آثار عربی که پیاپی در حال چاپ و نشر هستند امری بایسته و ضروری است و نیاز به تلاش مضاعف و پشتوانه قوی دارد. و این یک ضرورت فرهنگی است که در راستای احیای میراث پیشینیان قرار دارد.

منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن ندیم، محمد، الفهرست، دار المعرفه، بیروت، ۱۹۷۸م.
- ۲- ابو هلال عسکری، حسن، جمهره الامثال، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم و عبد المجید قطامش، دار الفکر، بیروت، ۱۹۸۸م.
- ۳- ابو هلال عسکری، حسن، دیوان المعانی، تحقیق: احمد حسن بسج، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۴م.
- ۴- امین، احمد، ضحی الاسلام، الهیئه المصریه العامه للکتاب، قاهره، ۱۹۹۷م.
- ۵- بُستی، علی، دیوان ابی الفتح البستی، تحقیق: دریه الخطیب و لطفی الصقّال، مجمع اللغه العربیه، دمشق، ۱۹۸۹م.
- ۶- بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ترجمه: عبد الحلیم النجار، دار المعارف، قاهره، ۱۹۹۱م.
- ۷- بیهقی، ابراهیم، المحاسن والمساوی، دار صادر، بیروت، ۱۹۷۰م.
- ۸- ثعالبی، عبد الملک، التمثیل والمحاضره، تصحیح: عبد الفتاح محمد الحلو، الدار العربیه للکتاب، بیروت، ۱۹۸۳م.
- ۹- جاحظ، عمرو، الآمل والمأمول، تحقیق: رمضان ششن، دار الکتب الجدید، بیروت، ۱۹۸۳م.
- ۱۰- جاحظ، عمرو، المحاسن والاضداد، دار الهلال، بیروت، ۱۹۹۶م.
- ۱۱- حاجی خلیفه، مصطفی، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، استانبول، ۱۹۴۱م.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر، امثال وحکم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۱۴- زرکلی، خیر الدین، الاعلام، دار العلم للملایین، بیروت، ۲۰۰۲م.
- ۱۵- سعدی شیرازی، عبد الله، کلیات سعدی، نشر علم، تهران، ۱۳۷۲ش.
- ۱۶- صولی، محمد، ادب الکتّاب، تصحیح: محمد بهجه الاثری، المطبعه السلفیه، قاهره، ۱۳۴۱ق.
- ۱۷- طبری، محمد، تاریخ الطبری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ق.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۱۸- غزالی، محمد، التبر المسبوك فى نصيحه الملوك، تصحيح: احمد شمس الدين، دار الكتب العلميه، بيروت، ۱۹۸۸م.

۱۹- غزالی، محمد، نصيحه الملوك، تصحيح: جلال همایی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۱۷ش.

۲۰- مافروخی، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، تصحيح: عارف احمد عبد الغنى، دار كنان، بغداد، ۲۰۱۰م.

۲۱- مافروخی، مفضل بن سعد، ترجمه محاسن اصفهان، مترجم: حسين بن محمد آوى، به كوشش: عباس اقبال آشتیانی، مركز اصفهان شناسی و خانه ملل، اصفهان، ۱۳۸۵ش.

۲۲- محمدی، محمد، الترجمة والنقل من الفارسيه فى القرون الاسلاميه الاولى، انتشارات توس، تهران، ۱۹۹۵م.

۲۳- مشكور، محمد جواد، ايران در عهد باستان، سازمان انتشارات اشرفی، تهران، ۱۳۶۳ش.

۲۴- میدانی، احمد، مجمع الامثال، معاونت فرهنگى آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۳۶۶ش.

* * *

Retrieving Persian proverbs and sayings from ancient Arabic texts

Haidar Mahallati

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of
Literature and Humanities, University of Qom

Email: dr.mahallati@yahoo.com

Abstract:

Informative short Persian writings, which are known as proverbs and aphorisms, are the result of the thoughts of our predecessors and the experiences of our ancestors in various fields of life. These short and effective words, which have survived the passage of time and have been transmitted to future generations in various forms, indicate a valuable cultural treasure. Because the durability of a work depends not only on its beautiful form, but also on its deep content. This research seeks to recover the cultural works of Iranians, which are written in the form of proverbs and sayings in Arabic texts. The author of this article, using the analytical descriptive method, in addition to realizing this goal, seeks to identify the cultural communication ways between Persian and Arabic languages, which have been interacting with each other throughout history. The results of this research indicate the wide presence of Persian proverbs and Iranian wisdom in Arabic written sources and its wide use in the thoughts of Arab writers in different periods.

Keywords:

proverbs and wisdom, Persian language, Aphorisms, Short writings, Arabic texts.